قندانه

((قند پهلو)) پایه : سوم

اهداف: * درک مطلب *آشنایی با ضرب المثل

* تقویت حافظه دیداری و شنیداری

پسرم فیلم را دیدی؟ موضوع آن چه بود؟

کدام پاکت به شما رسید؟ در مورد موضوع درون پاکت خوب فکر کردی؟!!

فعالیت منزل

پیشنهاد اول:داستان ارائه شده را بخوان. دو سوال از آن طرح کن و به آن پاسخ بده.

روزی پیرمردی به همراه پسرش از دهی به ده دیگر در حرکت بودند،چندی نگذشته بود که در میانه راه نعلی را بر زمین دیدند. پیرمرد به پسر گفت:آن را بردار؛ اما پسر گفت: پدرجان تکه آهن شکسته و فرسوده به چه کار می آید؟ به زحمت برداشتن نمی ارزد. پدر دید که پسرش هنوز زندگی را خوب نفهمیده و نمی‌شناسد،خم شد و نعل را از زمین برداشت. ساعاتی گذشت؛ و جیره آب آن ها هم تمام شد. پسرک که تشنه بود گفت : پدر اینجا آب پیدا نمی شود؟

پیرمرد گفت: چرا جلوتر چاه آبی هست. صبوری کن.

اما زمانی که دانست پسر بسیار تشنه است، دانه گیلاسی را روی زمین انداخت. پسر هم خم شد و آن را برداشت و خورد؛ این اتفاق بارها افتاد، تا به چاه آب رسیدند. پدر گفت: تو برای رفع این تشنگی بارها خم شدی و دانه های گیلاس را از زمین برداشتی؛ اما زمانی که به تو گفتم آن نعل را بردار، به کار می آید، به آن بی اعتنا بودی؛ من آن را برداشتم؛ به نعل بندی فروختم و با فروش آن این گیلاس ها را خریدم. پس بدان هر چیز که خوار آید، یک روز به کار آید!

پیشنهاد دوم: داستان زیر را تا هر مقدار دوست داری ادامه بده و در دفترت بنویس.

*وقتی باغبان پیر درِ باغ را باز کرد از تعجب خشکش زد.....

CamScanner